



این متن از سایت دانشنامه حوزوی "ویکی فقه" اخذ شده است.
برای آشنایی و استفاده بیشتر به نشانی www.wikifeqh.ir مراجعه فرمایید.

سند

سند، از اصطلاحات درون‌حدیثی در علم حدیث بوده و به زنجیره روایان حدیث که متن را از معصوم خبر می‌دهند، اطلاق می‌گردد.

فهرست مندرجات

- ۱ - تعریف سند
- ۲ - معنای لغوی
- ۳ - معنای اسناد
- ۳.۱ - کلام محقق داماد
- ۴ - پانویس
- ۵ - منبع

تعریف سند

محقق مامقانی در تعریف آن نوشته است: «سند همان طریق متن، یعنی گروهی از روایان است». [۱] [۲] بعضی از معاصران گفته‌اند: «سند، همان طریق متن است و مقصود از آن در این‌جا، مجموعه روایان است که هریک از دیگری نقل می‌کند تا به صاحب روایت برسد». [۳] **شیخ بهایی** می‌نویسد: «سند حدیث، همان سلسله و زنجیره روایان است، که متن حدیث را به معصوم می‌رساند». [۴] [۵]

معنای لغوی

آن‌گونه که از لغت و کلام لغت‌شناسان برمی‌آید، «سند» به معنای «تکیه‌گاه» است، و طریق روایت را سند می‌نامند؛ چرا که علما بر اساس سند، روایت می‌کنند، و روایان حدیث، بر سند تکیه کرده و طریق روایت را ملاک صحت و ضعف آن قرار داده‌اند؛ بر این اساس، سند روایت برگرفته از معنای لغوی است. [۶] [۷] [۸] [۹] ناگفته نماند، که بعضی از **علمای درایه**، مانند «**ابن جماعه**» (متوفای ۷۳۳ ه. ق.)، احتمال داده‌اند، که سند در روایت، گرفته شده از سند به معنای قسمت‌های بلند و مرتفع دامنه کوه است؛ قال ابن جماعه: و اخذه اما من السند و هو ما ارتفع و علا من سفح الجبل لان المسند یرفعه الی قائله، او من قولهم فلان سند ای معتمد، فسمی الاخبار عن طریق المتن سندا لاعتماد الحفاظ فی صحه الحدیث و ضعفه الیه. [۱۰] وی نیز گفته است: «**مسند**»، یعنی محدثی که سند را نقل می‌کند و حدیث را با ذکر روایان نام می‌برد، تا به معصوم (علیه‌السلام) متصل شود. محقق مامقانی، این وجه تسمیه این جماعه را **نقد** کرده و می‌گوید: «کاری که **محدث** و **مسند** می‌کند، **اسناد** و **اخبار** و انتساب و استناددادن است؛ در حالی که سند، معنای جامدی دارد.» [۱۱]

معنای اسناد

بعضی، معنای سند و اسناد را یکی دانسته‌اند؛ بنا براین، اختلاف در این مساله مبنایی خواهد بود. [۱۲] یکی از معاصران می‌گوید: «اسناد، از دیدگاه امامیه عبارت از رساندن حدیث به گوینده آن، یعنی **پیامبر** یا **امام** و از دیدگاه عامه، رساندن حدیث به **پیامبر** و **صحابی** و تابعی است. گاهی از باب اطلاق مصدر بر اسم جامد، اسناد بر سند نیز اطلاق می‌گردد؛ گرچه **محدثان**، سند و اسناد را به یک معنا به کار می‌برند؛ مثل اطلاق **محدث عاملی** در **وسائل‌الشیعه** در قول خودش که می‌گوید: (و بهذا الاسناد) یعنی راهی که **انسان** را به متن حدیث می‌رساند؛ بنابر این، اسناد و سند، خود روایان حدیثند. [۱۳]

← کلام محقق داماد

محقق داماد در **رواشرح** نوشته است: «اسناد، گاهی بر سند اطلاق می‌گردد (طریق) و گاهی از اسناد، بعض سند، اراده می‌شود.» [۱۴] مصحح مقیاس فرموده است: «حق این است، که سند - که همان طریق متن است. با اسناد مغایر باشد.» [۱۵] **مرحوم صدر** نیز در **نهایة الدرایه** می‌گوید: «اسناد در نزد عالمان حدیث و **درایه** عبارت است از: «رفع الحدیث الی قائله و این تعبیر، همان عبارت اخراج اخبار از طریق حدیث معنای اسناد است، نه سند.» [۱۶] علما فرموده‌اند: «اسناد الحدیث، یعنی رفعه الی قائله.» [۱۷] [۱۸] این تعریف، با معنای ابن جماعه سازگاری دارد؛ چنان که **فیومی** و دیگران گفته‌اند: «اسندت الحدیث الی قائله... رفعته الیه بذکر قائله». [۱۹] «**زهری**» (متوفای ۲۷۰ ه. ق) در **تهذیب اللغة** نیز گفته است: «الاسناد فی الحدیث رفعه الی قائله» [۲۰]

مامقانی تفسیر دیگری را در مورد سند از بعضی عالمان نقل کرده، که عبارت است از خیردادن از طریق متن (الاخبار عن طریق المتن) است؛ و شهید آن را به عنوان وجه دوم ذکر کرده است. [۲۱] [۲۲] [۲۳] [۲۴]

پانویس

۱. ↑ مامقانی، عبدالله، مقياس الهداية، ج ۱، ص ۵۰.
۲. ↑ طريحي، فخرالدين، مجمع البحرين، ج ۲، ص ۴۳۴.
۳. ↑ سبحانی، جعفر، اصول الحديث، ص ۱۸.
۴. ↑ صدر، سيدحسن، نهاية الدراية، ص ۹۳.
۵. ↑ فيومي، احمد، المصباح المنير، ج ۱، ص ۱۵۲.
۶. ↑ صدر، سيد حسن، نهاية الدراية، ص ۹۳.
۷. ↑ مامقانی، عبدالله، مقياس الهداية، ج ۱، ص ۵۱.
۸. ↑ سبحانی، جعفر، اصول الحديث، ص ۱۸.
۹. ↑ ابوريه، محمود، اضواء على السنة المحمدية، ص ۲۷۵.
۱۰. ↑ قاسمی، جمال الدين، قواعد التحديث، ص ۲۰۱ نقل، از: ابن جماعه و طيبي.
۱۱. ↑ ابوريه، محمود، اضواء على السنة المحمدية، ص ۲۷۵.
۱۲. ↑ مامقانی، محمدرضا، مستدرکات مقياس الهداية، ج ۵، ص ۲۲.
۱۳. ↑ مامقانی، محمدرضا، مستدرکات مقياس الهداية، ج ۵، ص ۲۴.
۱۴. ↑ ميرداماد، محمدياقر، الروايش السماويه، ص ۱۲۶.
۱۵. ↑ مامقانی، محمدرضا، مستدرکات مقياس الهداية، ج ۵، ص ۲۴.
۱۶. ↑ صدر، سيدحسن، نهاية الدراية، ج ۱، ص ۹۴.
۱۷. ↑ قاسمی، محمد جمال الدين، قواعد الحديث، ص ۲۰۲.
۱۸. ↑ زبيدي، محمدمرتضى، تاج العروس، ج ۸، ص ۲۱۷.
۱۹. ↑ فيومي، احمد، المصباح المنير، ج ۱، ص ۱۵۲.
۲۰. ↑ ابن منظور، محمد بن مكرم، لسان العرب، ج ۲، ص ۲۲۱.
۲۱. ↑ ازهرى، محمد، تهذيب اللغة، ج ۱۲، ص ۲۵۵.
۲۲. ↑ قاسمی، محمد جمال الدين، قواعد التحديث، ص ۲۰۲.
۲۳. ↑ صدر، سيدحسن، نهاية الدراية، ص ۹۴.
۲۴. ↑ مامقانی، عبدالله، مقياس الهداية، ج ۱، ص ۵۰.

منبع

سایت اندیشه قم، برگرفته از مقاله «اصطلاحات درون حدیثی»، تاریخ بازیابی ۱۳۹۶/۳/۴.

رده‌های این صفحه : حدیث شناسی | اصطلاحات حدیثی